



اوج گرفتن انسان در حج

گفت و گو با حضرت آیت الله عراقچی

خداوند این شایستگی را به آدمی داده است که اوج بگیرد و آسمانی شود و از سلطه شیطان رهایی یابد. از اعمالی که در انسان تغییر ایجاد می کند و برایش بال پرواز می شود، حج است. البته این زمانی است که زائر خانه خدا آگاهی کامل از اعمال و مناسک حج داشته باشد و سر طواف و سعی و وقوف و رمی را بداند.

«اوج گرفتن انسان در حج» موضوع گفت و گویی است با حضرت آیت الله عراقچی که به وسیله حجت الاسلام و المسلمین رحیم کارگر انجام شده و اکنون از نظر شما می گذرد:

* خداوند متعال دستورات عبادی گوناگونی برای انسان‌ها قرار داده که از جمله آن‌ها حج است، به نظر شما حضرت عالی، فلسفه این عبادات چیست و در واقع چه اهدافی را دنبال می‌کنند؟

* پاسخ: انسان آنگاه که به دنیا می‌آید، استعداد‌های بالقوه‌ای دارد که اگر در مسیر تکامل قرار دهد، شاخ و برگ پیدا می‌کند و میوه‌های ارزشمندی می‌دهد. پس آن‌چه به صورت بالقوه در انسان وجود دارد، باید در این دنیا آن را به صورت بالفعل درآورد و تمام دستورات الهی در مورد این است که انسان، استعداد‌های بالقوه خود را به شکل بالفعل درآورد و این، راه خاصی دارد. تمامی دستورات عبادی برای شکوفا کردن استعداد‌های انسان است.

انسان از همان آغاز، برای گذران زندگی خود، از حیوانات، جمادات و... استفاده می‌کرد تا امروز که ماشین و هواپیما و... را هم ساخته است، اما روشن است که پیشرفت انسان به وسیله این موارد نیست، بلکه پیشرفت جمادات و... به وسیله انسان است. اکنون باید دید که انسان چه پیشرفتی کرده و در خود انسان چه چیزی وجود دارد که باید بروز پیدا کند؟ تنها انبیای الهی به وسیله وحی انسان را راهنمایی می‌کنند تا استعداد‌های بالقوه خود را به شکل بالفعل درآورد. وقتی درونیات حضرت آدم برای فرشتگان جلوه‌گر شد و آن‌ها دیدند که خداوند همه اسمای الهی را به آدم علیه السلام عرضه کرده و او را جمیع اسمای الهی قرار داده و مقامی داده که هیچ کدام از آن‌ها ندارند، بلافاصله او را تعظیم و سجده کردند.

* با توجه به مطالبی که فرمودید، شناخت این امور از چه راهی ممکن است؟

* پاسخ: شناخت این امور، تنها از طریق وحی انجام می‌شود. فقط انبیا می‌توانند به وسیله وحی الهی، انسان‌ها را پرورش دهند. پس اگر انسان بخواهد درونیاتش را بروز دهد، باید تسلیم انبیا و وحی الهی باشد.

* این مسأله در خصوص حج چگونه بررسی می‌شود و شناخت اعمال حج و پی بردن به اسرار آن، چگونه انسان را حرکت می‌دهد و او را به خدا نزدیک می‌کند؟

* پاسخ: انبیا دستورات مختلفی از سوی خداوند دارند؛ مثلاً در خصوص حج، معارف زیادی دارند. نخست این که به انسان می‌گویند احرام ببند و مُحَرَّم شو. احرام یعنی «لَيْبِكَ اللَّهُمَّ لَيْبِكَ»، که انسان جواب خداوند را می‌دهد؛ زیرا خداوند او را دعوت کرده است. پس انسان هم لیبیک می‌گوید و دعوت خداوند را اجابت می‌کند. «إِنَّ الْحَمْدَ» یعنی این که همه چیز از توست، همه چیزهایی که انسان را سرگرم و از خدا غافل می‌کند، از او گرفته می‌شود تا به حسب ظاهر مجرد شود. حتی لباس انسان هم نباید دوخت داشته باشد. وقتی مجرد شد و لباس احرام پوشید، باید لیبیک بگوید؛ زیرا حقیقت احرام این است که انسان لیبیک بگوید و دعوت حق را اجابت کند. طواف که یکی دیگر از اعمال حج است، به دور خانه‌ای انجام می‌شود که از آن خداوند است و محور طواف‌ها باید خداوند باشد و اگر انسان یک گام برخلاف دستورات خداوند بردارد، باید طواف را اعاده کند و همه این دستورات و اسراری که در حج وجود دارد، در واقع برای این است که انسان ساخته شود. عمل به دستورات خداوند خارج شدن از منجلاب است.

مثلاً برای زنده کردن سنت حضرت ابراهیم علیه السلام که به شیطان سنگ می‌زد. باید به شیطان سنگ بزنیم و او را از خودمان دور کنیم و این کاری بود که حضرت ابراهیم علیه السلام انجام داد تا از مزاحمت شیطان جلوگیری کند؛ زیرا شیطان از انسان نمی‌ترسد و در همه جا مانعی برای انسان است و قسم خورده که از عبادت انسان جلوگیری کند. وقتی شیطان این حرف‌ها را می‌گوید - طبق نظریه علامه طباطبایی رحمته الله که وقتی کسی چیزی را نفی نمی‌کند، علامت این است که آن را قبول کرده است - خداوند، حرف شیطان را نفی نمی‌کند؛ یعنی آن را قبول می‌کند، اما به او می‌گوید: تو نمی‌توانی به بندگان واقعی من کاری داشته باشی. انسان به کمک وسیله‌ای اوج گرفته و به طرف بالا می‌رود، ولی جاذبه زمین باعث می‌شود که سقوط کند. اما انسان باید آن قدر اوج بگیرد تا جاذبه زمین بر او اثر نکند. شیطان هم انسان را جذب می‌کند؛ مگر این که انسان از منطقه جاذبه شیطان بالاتر رود. جسم انسان نمی‌تواند

به بالا برود؛ زیرا انسان مانند پیغمبر نیست که معراج جسمانی داشته باشد و از طریق روح می تواند اوج بگیرد. شیطان هم با روح انسان کار دارد؛ ولی وقتی روح انسان اوج بگیرد، دیگر شیطان به او کاری ندارد. اما برای اوج گرفتن روح باید مراحل زیادی را طی کرد و پشت سر گذاشت. تا انسان این جاست گرفتار شیطان است. انسان با انجام اعمال عبادی می تواند بالا برود و از تیررس شیطان دور شود.

از جمله اعمالی که بسیار سریع انسان را به مقام والا می رساند و شیطان دیگر نمی تواند به او دسترسی داشته باشد، حج است. حج آن قدر انسان را بالا می برد تا انسان خدایی و «عبدالله» می شود و شیطان با همه هیتش ذلیل می گردد. خداوند می فرماید: اگر تو بزرگ شوی، شیطان در برابر تو کوچک می شود. شیاطین - جنّی و انسی - با عبدالله کاری ندارند؛ ولی اکثریت انسان های روی زمین تحت تأثیر شیاطین هستند و به وسیله آن ها اسیر شده اند. حتی حج هم تغییر حالی در آنان ایجاد نمی کند و این بدان جهت است که آگاهی کاملی از اعمال و مناسک حج ندارند؛ زیرا از سر طواف و سنگ زدن و... آگاه نیستند. پس باید به عمق قضا یا برویم. انسان باید ساعی و خستگی ناپذیر باشد. وقتی ابراهیم علیه السلام هاجر و فرزندش را در آن بیابان می گذارد، آن ها با سعی و تلاش به آب حیات می رسند. هاجر در این مسیر می رفته و می آمده (سعی می کرده) است تا از زیر پای اسماعیل آب می جوشد. اگر می خواهیم آب حیات نصیبمان شود، باید مانند هاجر باشیم، باید کوشش کنیم.

خداوند وعده داده است که اگر انسان سعی کند، او را به هدف می رساند و خیلی ها به هدف رسیده اند و دستورات الهی را آن گونه که خداوند فرموده، انجام داده اند.

انبیا می خواهند به انسان بفهمانند که برای آن دنیا، اعضا و جوارحی لازم است و باید این اعضا را با تعبد و از جمله انجام اعمال و مناسک حج که البته مهم تر هستند به دست آورد.

* انسان ها دارای معادن طلا و نقره و گنج های وجودی فراوانی هستند و همان طور که فرمودید عبادات موجب دستیابی به این گنج های نهفته می شود؛ همان طور که شیطان باعث از دست رفتن این گنج ها می گردد، چگونه با حج می توان دوباره به این گنج ها دست یافت؟

* پاسخ: قرآن کریم که کتاب هدایت است، بسیاری از مسائل را آشکار می سازد. برای

نمونه، اگر یک دانه (بذر) را در طاقچه بگذاریم، در آن جا می ماند و می پوسد. ولی اگر آن را در مسیر تکاملی اش قرار دهیم، رشد می کند و به تعالی می رسد و درونش آشکار می گردد. انسان هم همین گونه است. در مورد ابوذر، حدیث مفصلی آمده که وارد مسجد شد، دید مسجد خلوت است، نزد پیامبر ﷺ رفت و آن حضرت مرتب می گفت: یا اباذر، یا اباذر... و او را تغذیه معنوی می کرد تا ساخته شود. ما اگر بخواهیم ساخته شویم، باید در زمین قرآن رشد کنیم. باید درون قرآن قرار بگیریم. اگر انسان در هواپرستی لانه کند، دیگر درست نخواهد شد. انسانی که زیاد معصیت می کند، هرگز ساخته نخواهد شد.

اگر انسان در مسیر نادرست قرار گیرد، دیگر نمی توان او را رشد داد. نباید کار انسان به جایی برسد که آفرینش الهی را به استهزا بکشد. اصلاً هواپرستی مغز انسان را از بین می برد و نیرویی که باید او را رشد دهد، فاسد می شود. در نتیجه شیطان هم خوشحال می گردد. حتی اصحاب پیغمبر که شب و روز در خانه پیغمبر بودند، به اوج انسانیت نرسیدند، اما اگر واقعاً انسان متحول شود و تصمیم بگیرد که راه درست را انتخاب کند، به هدفش می رسد؛ مانند حُر که به اردوی امام حسین ﷺ برمی گردد و نور آن حضرت، وی را در بر می گیرد. اگر کسی زیاد معصیت کند، ولی در آخر عمر واقعاً برگردد، هدایت می شود.

* آیا تمامیت حج به امامت و ولایت ارتباط دارد؟

* پاسخ: آری، تمامیت حج به ولایت وابسته است و زمین هیچ گاه بدون حجت نیست و امام زمان (عج) همواره حضور دارد. هیچ زمانی انسان بدون هادی نمی ماند و اگر کسی واقعاً تصمیم داشته باشد به مقصد برسد، حتماً می رسد. حتی خود بزرگان به دنبال او می آیند و نجاتش می دهند. در حج هم این اتفاق می افتد و گاهی بعضی افراد مورد عنایت امام عصر (عج) قرار می گیرند. انسان باید موانع را از سر راه بردارد تا بتواند به او متصل شود.

* در پایان اگر توصیه ای برای حج گزاران یا روحانیون حج دارید، بفرمایید.

* پاسخ: حج گزاران باید در بندگی خداوند خالص باشند. روحانیون حج هم باید مناسک را به حج گزاران بیاموزند و به آنها بگویند که شما به اینجا آمده اید تا با خدا و پیامبر

بیعت کنید. حتی اگر دست کسی به حجرالأسود برسد، آن سنگ به منزله دست خداست و باید با آن بیعت کند و هر چه خدا برای انسان رقم بزند، به نفع اوست و خدا صلاح بندگانش را می خواهد. پس باید با خدا باشند و هر جا که شیطان ظاهر شد، او را بزنند و این رمی، همیشگی باشد. هر وقت شیطان به سراغش آمد، او را بزند و از خود دور کند. شیطان به هر عنوانی که با انسان حرف بزند، خیر انسان را نمی خواهد.

خداوند در قرآن به حضرت آدم و حوا نصیحت کرد که از این درخت نخورید؛ زیرا اگر به این حرف گوش کنید در بهشت جاوید خواهید شد و برای من فرقی ندارد. شیطان همه جا به دنبال انسان است و خود را به هر شکلی در می آورد تا انسان را از راه خدا منحرف کند. در روایات آمده است که امیر مؤمنان علیه السلام بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله مشغول تجهیز بدن آن حضرت بودند که صدایی از میان زمین و آسمان شنیدند که گفت: بدن پیامبر صلی الله علیه و آله طیب و طاهر است و احتیاج به غسل ندارد. و ظاهراً حرف درستی است و اما شیطان این گونه وارد می شود.

همه می دانند که بدن رسول الله پاک است، اما وقتی حضرت امیر علیه السلام این صدا را شنیدند، فرمودند: این صدا از جانب شیطان است؛ زیرا خود پیغمبر صلی الله علیه و آله به من وصیت کرده که بدن مرا غسل بده. پس هر صدایی غیر از صدای پیغمبر باشد، صدای شیطان است؛ مانند صداهایی که از غرب و شرق می آید و همچون سم مهلک است و این روایت درس بزرگی به ما می دهد و می فهمیم که شیطان گاهی به اشکال مقدسی بر انسان ظاهر می شود.

ما باید از معصومین متابعت کنیم. تمام حرکات انسان باید به عصمت نزدیک شود. انسان سازی به دست معصومین علیهم السلام است نه به دست کسی دیگر و به طور کلی عقل انسان ساز نیست، وحی انسان ساز است. همه انبیا آمدند آنچه انسان ساز است را به انسان بیاموزند. فقط باید از معصوم پیروی کرد که از سهو و خطا و نسیان و... مصون هستند. انسان باید خودش را به آنان بسپارد. در روایت آمده است که: عالم ما هستیم، این را پیغمبر صلی الله علیه و آله به اصحاب فرمودند. بقیه متعلم هستند؛ حتی شیعیانی مانند سلمان و ابوذر و... معلم تنها معصوم است و بس؛ زیرا معلم باید کل انسان را بشناسد و این تنها از معصوم برمی آید. خداوند ضمانت کرده که پیروی از آنان موجب رستگاری است.



مشترک گرامی! از این پس، پیامک شماره ۲۰۰۰۹۷۱۵۹ پل ارتباطی شما با فصلنامه «میقات حج» است.

لطفاً پیشنهادهای و انتقادهای و نیز نشانی دقیق و در صورت تغییر مکان، نشانی جدید خود را با شماره یاد شده ارسال کنید. در صورت برگشت مجله، از ارسال شماره های بعدی معذوریم.

در ضمن، هنگام ارسال پیامک، نام و نام خانوادگی و شماره پرونده فراموش نشود.

نشانی پست الکترونیک: miqat.haj@gmail.com

صندوق پستی (قم): ۳۷۱۷۵ ۱۱۱۳

دفتر فصلنامه «میقات حج»



